

ارزیابی سیاست‌های پولی و نظام بانکی در ایران

چه نظام بانکی ایران در خدمت توسعه صنعتی و اقتصادی نیست؟

www.ketab.ir

دکتر بهروز هادی زنوز
افشین برمکی

هادی زنوز، بهروز، ۱۳۲۴
ارزیابی سیاست‌های پولی و نظام بانکی در ایران: چرا نظام بانکی ایران در خدمت توسعه صنعتی و اقتصادی نیست؟
/ بهروز هادی‌زنوز، افشین برمکی؛ کاری از اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی. دفتر پژوهش‌های
اقتصاد و توسعه

مشهد: نوین طراحان آزاد، ۱۳۹۵.

۴۶۲ ص: جدول (رنگی)، نمودار (رنگی).

۹۷۸-۶۰۰-۹۳۳۵۴-۹-۷

فیفا

کتابنامه.

سیاست پولی - ایران

Monetary policy - Iran

بانک و بانکداری - ایران - ارزشیابی

Banks and banking - Iran - Evaluation

رشد اقتصادی - ایران - برنامه‌ریزی

Economic development - Planning - Iran

مکی، افشین، ۱۳۶۲

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان خراسان رضوی

HG1۲۳۰/۴۵۳۰۹۴۱۱

۳۰۲۱۰۵۸

۴۲۰، ۲۵۶

برشنامه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شماره افزوده

شماره افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

کاری از: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی

پدیدآورندگان: دکتر بهروز هادی زنوز و افشین برمکی

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۲۰۰۰

پایگاه اطلاع رسانی: www.mccima.com

پست الکترونیکی: info@mccima.com

تلفن: ۰۵۱ ۳۲۲۱۶۰۰۰

تمایر: ۰۵۱ ۳۲۲۱۶۰۴۰

ناشر: نوین طراحان آزاد ۱۳۲۹۷۱۳ ۳۵۰ ۵۱

۰۹۱۵ ۵۵۹۳۸۶۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۳۵۴-۹-۷

کلیه حقوق این کتاب برای اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی محفوظ است.

در این کتاب می خوانید:

پیشگفتار	۳
مقدمه	۱۷
بخش اول: طرح مسئله و روش تحقیق	۲۵
۱. طرح مسئله	۲۵
۱.۱. رشد بخش های منتخب تولید ناخالص داخلی و رابطه آن با رشد اعتبارات بانکی	۲۵
۲.۱. توزیع نامطلوب اعتبارات بانکی	۲۶
۳.۱. دسترسی محدود بنگاه ها بانوارها به اعتبارات بانکی	۳۰
۲. مرور اهم گزارشات پژوهشکده پولی و بانک در زمینه تنگنای اعتباری	۳۱
۱.۲. مطالعه پژوهشکده پولی و بانکی برای اتانگردانان ایران	۳۷
۲.۲. مطالعه پژوهشکده پولی و بانکی تحت عنوان «سیاست اعتباری شواهد خرد تا پیامدهای کلان	۴۳
۳. رویکرد تحقیق حاضر	۴۵
فهرست منابع بخش اول	۵۰
بخش دوم: نقش دولت و بانک مرکزی در نظام بانکی ایران	۵۱
۴. تحولات جهانی سیاست پولی	۵۲
۱.۴. بانکداری مرکزی در دهه ۱۹۶۰	۵۲
۱.۱.۴. فقدان رابطه بلندمدت میان تولید (اشتغال) و تورم	۵۳
۲.۴. بانکداری مرکزی در دهه ۱۹۷۰	۵۴
۱.۲.۴. انقلاب انتظارات عقلایی	۵۴
۲.۲.۴. تشخیص هزینه های بالای تورم و مزایای ثبات قیمت ها	۵۴

۳.۲.۴. نقش لنگر اسمی	۵۵
۴.۲.۴. ظهور هدف‌گذاری پولی	۵۵
۳.۴. بانکداری مرکزی در اواخر دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰: شکست هدف‌گذاری پولی؟	۵۶
۴.۴. جستجو برای لنگر اسمی بهتر: ظهور هدف‌گذاری تورم در دهه ۱۹۹۰	۶۰
۱.۴.۴. مشکل ناسازگاری زمانی	۶۰
۲.۴.۴. استقلال بانک مرکزی	۶۱
۳.۴.۴. ظهور هدف‌گذاری تورم	۶۲
۴.۴.۴. آیا هدف‌گذاری تورم کار متفاوتی کرده است؟	۶۶
۵.۴. لنگر اسمی جایگزین: تثبیت نرخ ارز	۶۷
۶.۴. راهبرد سیاست پولی به کجا می‌رود؟	۶۹
۶.۴. تورم در مقابل هدف‌گذاری سطح قیمت‌ها	۶۹
۶.۲. سه افق: بانک مرکزی باید چگونه پیش رود؟	۷۰
۳.۶.۴. چگونه سیاست پولی باید به قیمت‌داری‌ها واکنش نشان دهند؟	۷۱
۴.۶.۴. چگونه سیاست پولی باید به نرخ‌های ارز در نظام هدف‌گذاری تورم واکنش نشان دهند؟	۷۲
۷.۴. جمع‌بندی	۷۲
۵. چارچوب قانونی نظام بانکی کشور	۷۲
۱.۵. قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۴/۴/۱۳	۷۳
۲.۵. قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)، مصوب ۱۳۳۲/۶/۱۳	۷۶
۳.۵. قانون سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی	۸۰
۴.۵. قانون تشکیل بازار غیر متشکل پولی (مصوب ۱۳۸۰/۳/۲۲)	۸۱
۵.۵. قانون برنامه پنجم توسعه	۸۳
۶. ارزیابی عملکرد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در زمینه طراحی و اجرای سیاست‌های پولی، نظارت بانکی و نظام پرداخت‌ها	۸۵
۱.۶. اهداف بانک مرکزی در زمینه سیاست‌گذاری پولی و ارزی	۸۵
۲.۶. وظایف و اختیارات بانک مرکزی	۸۶
۳.۶. ارکان بانک مرکزی	۸۷
۴.۶. ابزارهای در اختیار بانک مرکزی برای اعمال سیاست پولی	۹۰
۱.۴.۶. ابزارهای مستقیم	۹۱

۲.۴.۶. ابزارهای غیرمستقیم	۹۲
۵.۶. استقلال بانک مرکزی	۹۴
۶.۶. اجرای سیاست‌های پولی بانک مرکزی	۹۶
۱.۶.۶. ساختار اقتصاد نفتی و سلطه سیاست‌های مالی بر سیاست‌های پولی	۹۷
۲.۶.۶. ارزیابی میزان اثرگذاری بانک مرکزی بر حجم پایه پولی در اقتصاد	۱۰۰
۳.۶.۶. تحول نقدینگی و سیاست‌های پولی بانک مرکزی	۱۰۳
۴.۶.۶. ضریب فزاینده نقدینگی و عوامل تأثیرگذار بر آن	۱۰۷
۵.۶.۶. انتشار اوراق مشارکت توسط بانک مرکزی	۱۰۹
۶.۶. سیاست بانک مرکزی در قبال استقراض بانک‌ها از آن	۱۱۳
۷.۶. پیامدهای سیاست‌های پولی بانک مرکزی بر سیستم بانکی	۱۱۵
۷.۶.۱. ریسک سیستماتیک شبکه بانکی	۱۱۶
۷.۶.۲. ریسک اعتباری در نظام بانکی ایران	۱۱۹
۱.۲.۷.۶. تعیین دستورالعمل نرخ سود سپرده‌ها	۱۲۰
۲.۲.۷.۶. نرخ دیپازیت‌های سرده‌ها	۱۲۲
۳.۲.۷.۶. تعیین تسهیلات اعتباری	۱۲۵
۸.۶. ارزیابی عملکرد بانک مرکزی در حوزه نظارت بر بانک‌ها و سرپرستی نظام پرداخت و تسویه	۱۲۹
۱.۸.۶. مبانی نظری نظارت بانکی و چارچوب مقررات نظارتی مصوب کمیته بازل	۱۲۹
۲.۸.۶. ارزیابی عملکرد بانک مرکزی ایران در حوزه نظارت بر بانک‌ها	۱۳۷
۳.۸.۶. ارزیابی عملکرد بانک مرکزی ایران در زمینه سرپرستی نظام پرداخت و تسویه	۱۷۱
۷. دست‌اندازی دولت به بازارهای مالی	۱۷۳
۱.۷. جایگاه بدهی دولت در ترازنامه سیستم بانکی	۱۷۷
۲.۷. جایگاه بدهی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی در ترازنامه سیستم بانکی	۱۷۹
۳.۷. عملکرد واگذاری دارایی‌های مالی توسط دولت	۱۸۱
۸. جمع‌بندی بخش دوم	۱۸۲
۱.۸. چارچوب قانونی نظام بانکی	۱۸۳
۲.۸. نقش بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران	۱۸۳
۳.۸. سیاست پولی بانک مرکزی	۱۸۴
۴.۸. مداخله دولت	۱۸۷
فهرست منابع بخش دوم	۱۸۹

بخش سوم: نظام بانکداری در دوره بعد از انقلاب اسلامی	۱۹۳
۹. تحولات بانکداری در دوره بعد از انقلاب	۱۹۳
۱۰. اهمیت سیستم بانکی در بازار مالی ایران	۱۹۹
۱۱. نقش انواع بانکها در نظام بانکی کشور	۲۰۲
۱.۱۱. نقش بانکهای تخصصی دولتی در ایران	۲۰۲
۲.۱۱. نقش بانکهای تجاری دولتی در ایران	۲۰۴
۳.۱۱. نقش بانکهای غیردولتی در ایران	۲۰۶
۱۲. دامنه فعالیت مؤسسات اعتباری غیر بانکی در ایران	۲۰۸
۱.۱۲. مقررات ناظر بر تاسیس و شیوه فعالیت موسسه های اعتباری غیر بانکی	۲۰۹
۱.۱۱. انواع مؤسسات اعتباری غیر بانکی در ایران	۲۱۱
۱.۱۲. مؤسسات اعتباری غیر بانکی مجاز	۲۱۳
۲.۱۲. ارزیابی تاثیر مؤسسات اعتباری غیر بانکی بر بازار اعتبارات بانکی	۲۱۴
۱۳. ارزیابی سرمایه بانکی بر اساس استانداردهای بین المللی	۲۱۵
۱.۱۳. آیین نامه کفایت سرمایه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران	۲۱۷
۲.۱۳. تحلیل وضعیت بانکهای کشور از نظر کفایت سرمایه	۲۱۹
۳.۱۳. پیامدهای عدم کفایت سرمایه از نظر شک فعالیت های بانکی و محدودیت فعالیت بانکی	۲۲۲
۴.۱۳. وضعیت سودآوری بانکها در شرایط عدم کفایت سرمایه	۲۲۵
۱۴. عقب ماندگی بازارهای مالی در ایران و وضعیت دشمنی اعتبارات بانکی	۲۲۷
۱.۱۴. نقش محدود نهادهای مالی غیر بانکی در بازار سرمایه	۲۲۷
۲.۱۴. رتبه ایران در زمینه شاخص های توسعه بازارهای مالی	۲۲۹
۳.۱۴. رتبه ایران در زمینه دریافت اعتبارات بانکی	۲۳۰
۴.۱۴. تجربه کشورها در اصلاح و بهبود نماگر دریافت اعتبار	۲۳۱
۱۵. جمع بندی بخش سوم	۲۳۵
فهرست منابع بخش سوم	۲۳۷
بخش چهارم: توزیع اعتبارات بانکی و رابطه آن با رشد اقتصادی و صنعتی	۲۳۹
۱۶. ارزیابی ساختار ترازنامه واسطه گری های مالی در شبکه بانکی کشور	۲۳۹
۱.۱۶. منابع نظام بانکی کشور	۲۴۰

۲.۱۶. مصارف نظام بانکی کشور	۲۴۴
۳.۱۶. وضعیت نظام بانکی کشور از نظر پایداری تأمین مالی	۲۴۹
۴.۱۶. وضعیت نظام بانکی کشور از نظر خلق نقدینگی	۲۵۲
۵.۱۶. اثرات تحولات اقتصاد کلان بر ترازنامه بانک ها	۲۵۶
۱۷. ارزیابی تاثیر نظام انگیزش های مالی در دوره رونق نفتی بر تخصیص منابع مالی در نظام بانکی کشور	۲۵۶
۱.۱۷. نرخ ارزش حقیقی	۲۵۸
۲. ۱۷. مالیات بر درآمد شرکت ها	۲۶۱
۳. ۱۷. مالیات بر ارزش افزوده	۲۶۲
۴. ۱۷. سیاست تجاری	۲۶۲
۵. ۱۷. تسهیلات بانکی	۲۶۳
۶. ۱۷. قیمت حامل های انرژی	۲۶۳
۷. ۱۷. قیمت سایر نهاده های تولید	۲۶۴
۸. ۱۷. قیمت گذاری - تحولات	۲۶۵
۱۸. تحلیل توزیع بخشی تسهیلات بانکی در دوره ۹۳-۱۳۸۱	۲۶۵
۱. ۱۸. توزیع مانده تسهیلات اعطایی بانک برحسب بخش های عمده اقتصاد کشور به قیمت جاری و ثابت	۲۶۷
۲. ۱۸. توزیع تسهیلات اعطایی بانک ها در هر سال برحسب بخش های عمده اقتصاد کشور	۲۷۰
۳. ۱۸. رشد بخش های اقتصادی و توزیع اعتبارات بانکی	۲۷۳
۱. ۳. ۱۸. عوامل نهادی موثر بر رشد اقتصادی	۲۷۳
۲. ۳. ۱۸. منابع رشد اقتصادی در ایران	۲۷۶
۴. ۱۸. توزیع تسهیلات بانکی و تاثیر آن بر رشد زیر بخش های اقتصاد ایران	۲۷۸
۵. ۱۸. تحول تسهیلات بانکی در دوره تشدید تحریم های اقتصادی	۲۸۱
۱۹. تناظر ساختار نظام اقتصادی و نظام بانکداری کشور	۲۸۵
۱. ۱۹. ساختار مالکیت بانک ها	۲۸۷
۱. ۱. ۱۹. ساختار مالکیت در بانک های خصوصی	۲۸۸
۲. ۱. ۱۹. ساختار مالکیت در بانک های خصوصی وابسته به نهادهای عمومی	۲۹۸
۳. ۱. ۱۹. ساختار مالکیت در بانک های دولتی خصوصی شده	۳۰۴
۲. ۱۹. فعالیت های غیربانکی بانک ها در ایران	۳۰۶

۱.۲.۱۹. عملیات مجاز بانکی	۳۰۶
۲.۲.۱۹. عملیات غیرمجاز بانکی	۳۰۷
۳.۲.۱۹. شرکت‌های زیرمجموعه بانک‌ها و زمینه فعالیت آن‌ها	۳۰۹
۲۰. فقدان استراتژی صنعتی و افزایش تقاضای اعتبارات بانکی توسط کارفرمایان صنعتی	۳۱۹
۱.۲۰. چرا مداخله دولت برای برانگیختن رشد و توسعه صنعتی ضرورت دارد؟	۳۲۰
۲.۲۰. سیاست‌های صنعتی در قبال شکست‌های بازار	۳۲۱
۳.۲۰. کیفیت سیاست‌های صنعتی در ایران	۳۲۳
۴.۲۰. سیاست دولت نهم و دهم در زمینه اعطای تسهیلات بانکی ارزان قیمت به واحدهای کوچک	۳۲۸
۵.۲۰. ورود آزادانه به صنعت و پیامدهای آن	۳۳۰
۶.۲. سند راهبردی وزارت صنعت، معدن و تجارت و رابطه آن با استراتژی صنعتی	۳۳۷
۷.۱. هرت اتخاذ سیاست صنعتی برای تخصیص بهینه منابع کمیاب	۳۳۹
۲۱. چارچوب بخش چهارم	۳۴۰
فهرست منابع بخش چهارم	۳۴۳
بخش پنجم: تشریح آراء و دیدگاه‌ها	۳۴۵
۲۲. عوامل سمت عرضه	۳۴۵
۱.۲۲. عملکرد ضعیف اقتصاد	۳۴۶
۲.۲۲. محدودیت تأمین مالی خارجی در شرایط تحریم	۳۴۸
۳.۲۲. فقدان ابزارهای مالی متنوع در بازار سرمایه	۳۵۰
۴.۲۲. سهمیه‌بندی اعطای تسهیلات	۳۵۱
۵.۲۲. منفی بودن نرخ سود سپرده‌ها	۳۵۱
۶.۲۲. افزایش مطالبات غیر جاری بانک‌ها	۳۵۲
۱.۶.۲۲. حجم مطالبات غیر جاری بانک‌ها	۳۵۳
۲.۶.۲۲. بررسی تطبیقی وضعیت مطالبات غیر جاری در ایران و کشورهای منتخب	۳۵۷
۳.۶.۲۲. کفایت سرمایه و پوشش زیان‌های تسهیلات بانکی معوق	۳۵۸
۴.۶.۲۲. علل بروز مشکل مطالبات غیر جاری بانکی	۳۶۰
۵.۶.۲۲. تأثیرات وام‌های غیر جاری بر اقتصاد	۳۶۴
۷.۲۲. نظارت ناپیگیر بر سیستم بانکی	۳۶۶

۲۳. عوامل سمت تقاضا	۳۶۷
۱.۲۳. پایین بودن بهر موری سرمایه	۳۶۸
۲.۲۳. طولانی بودن چرخه تولید	۳۷۱
۳.۲۳. منفی بودن نرخ سود تسهیلات بانکی	۳۷۳
۴.۲۳. پایین بودن هزینه فرصت تأمین مالی از طریق وام بانکی	۳۷۷
۵.۲۳. تسهیلات تکلیفی بانک ها	۳۷۹
۶.۲۳. تمرکز در توزیع تسهیلات بانکی و فقدان اعتبارسنجی مشتریان	۳۸۰
۷.۲۳. مسائل ناشی از رکود اقتصادی کشور	۳۸۳
۲۲. جمع بندی تنگنای اعتباری	۳۸۵
فهرست منابع بخش پنجم	۳۸۷
بخش ششم: محاسبات تطبیقی و پیشنهادات	۳۸۹
۲۵. ایجاد مدل برای نظام اعتباری کشور با توجه به تجربه کشورهایی که با تأخیر صنعتی شده اند	۳۹۰
۱.۲۵. تجربه نظام بانکی ایران	۳۹۰
۱.۱.۲۵. بانک های ایران	۳۹۰
۲.۱.۲۵. چارچوب تنظیم دری	۳۹۸
۲.۲۵. تجربه نظام بانکی در ژاپن	۴۰۵
۳.۲۵. تجربه نظام بانکی کره جنوبی	۴۰۹
۴.۲۵. تجربه نظام مالی و بانکی در ترکیه	۴۱۴
۵.۲۵. بررسی وجوه تشابه و تمایز نظام بانکی در ایران و کشورهای مورد مطالعه	۴۱۹
۲۶. جمع بندی و ارائه پیشنهادات	۴۲۱
۱.۲۶. تحول در نظام اقتصادی کشور پیش نیاز تغییر مالکیت بانک ها است	۴۲۴
۱.۱.۲۶. تقویت بخش خصوصی	۴۲۴
۲.۱.۲۶. اصلاح نظام انگیزش های مالی در اقتصاد نفتی ایران	۴۲۶
۳.۱.۲۶. ضرورت اتخاذ استراتژی صنعتی در کشور	۴۳۰
۲.۲۶. بازنگری در رابطه دولت و بانک مرکزی	۴۳۱
۱.۲.۲۶. اصلاح قوانین پولی و بانکی	۴۳۱
۲.۲.۲۶. ایجاد شورای هماهنگی بازارهای مالی	۴۳۳

۳.۲.۲۶. تغییر سیاست مالی دولت	۴۳۳
۴.۲.۱۶. اصلاح صندوق توسعه ملی	۴۳۵
۱.۱.۲۶. توجه به نظر در سیاست پولی و ارزی بانک مرکزی	۴۳۵
۱.۱.۲۶. اصلاح سیاست پولی و ارزی بانک مرکزی	۴۳۵
۲.۳.۲۶. پیمان‌های سیاست‌های پولی بانک مرکزی بر بانک‌ها	۴۳۷
۴.۲۶. رابطه بانک مرکزی و بانک‌ها	۴۳۸
۱.۴.۲۶. نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها	۴۳۸
۲.۴.۲۶. تجدید ساختار نظام بانکی	۴۴۰
۳.۴.۲۶. ساماندهی وضعیت مؤسسات اعتباری غیر بانکی	۴۴۲
۴.۴.۲۶. اصلاح فعالیت‌های غیر بانکی بانک‌های مشترک	۴۴۲
۵.۴.۲۶. افزایش کارایی نظام بانکی	۴۴۳
۶.۴.۲۶. بهبود شاخص کفایت سرمایه بانک‌های کشور	۴۴۳
۵.۲۶. رابطه بانک‌ها و بنگاه‌ها	۴۴۴
۱.۵.۲۶. راهکارهای پیشنهادی برای کاهش مطالبات غیر جاری بانکی	۴۴۴
۲.۵.۲۶. راهکارهای رفع شکست بازار اعتبار	۴۴۸
۳.۵.۲۶. راه حل تنگنای اعتباری	۴۴۹
۴.۵.۲۶. تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط	۴۵۴
۵.۵.۲۶. پیشنهاد برای بهبود رتبه کشور در دریافت اعتبارات بانکی	۴۵۶
فهرست منابع بخش ششم	۴۶۱

پیشگفتار

مطالعات موجود رویان آن است که هرچه سطح توسعه مالی در کشوری بالاتر باشد، نرخ انباشت سرمایه فیزیکی، نرخ رشد اقتصادی، کیفیت فناوری و ایجاد اشتغال در آن کشور، سریع‌تر خواهد بود و فرصت تحرک اجتماعی افزایش خواهد یافت. تجربه کشورهای آلمان، ژاپن، جمهوری کره و ترکیه نیز که در این مطالعه تشریح شده، مویذ این مطالب است. سه کشور اول در سایه اتخاذ سیاست صنعتی و به موازات آن توسعه نظام بانکداری و مالی حرکت توانستند به سرعت گام در راه صنعتی شدن بردارند. ترکیه نیز از دهه ۱۹۸۰ در سایه اصلاحات در سیاست‌های مالی و بانکی خود توانست بر نرخ‌های تورم دو رقمی فائق آید و گام در راه رشد سریع اقتصادی بگذارد. در موفقیت این کشورها در این نکته نهفته است که به موازات کسب تجربه و مواجهه با بحران‌های مالی و پولی توانسته‌اند از طریق انجام اصلاحات تدریجی، مقررات‌گذاری و تنظیم‌گری مالی نظام بانکی و بازار سرمایه خود به سمت توسعه اقتصادی درآورند.

بیل گیتس در تارنمای خود در ۱۷ آذر ۱۳۹۳، در معرفی کتاب «آسیب‌ناک می‌تازد»، سه عامل را سبب توفیق ژاپن، جمهوری کره، تایوان، سنگاپور، مالزی و چین می‌داند و زیادت است از توجه به توسعه کشاورزی، صنایع ساخت و تأمین مالی. از آنجا که نکته سوم به بحث این کتاب مرتبط است آنرا عیناً نقل می‌نمایم؛ "استادول نشان می‌دهد که کشورهایی که سریعاً در حال توسعه هستند، معمولاً فقط به ظاهر از اصول مبتنی بر بازار آزاد پشتیبانی می‌کنند، ولی در عمل موسسات مالی خود را در وضعیت «کاملاً لگام خورده» نگه می‌دارند. به عبارت دیگر، آنها سیاست‌هایی برای حمایت خودشان در مقابل تکان‌ها و ضربه‌های جریان سرمایه جهانی وضع می‌کنند، تا مطمئن شوند که در نهایت موسسات مالی داخلی - به جای تأمین منفعت کوتاه مدت تأمین کنندگان مالی - در خدمت توسعه اهداف بلند مدت کشورشان قرار گیرند».

از آنجا که تأمین مالی نقش برجسته‌ای در توسعه کشورها دارد، برای شناخت تأمین مالی در ایران، اتفاق مشهود برای شرایط پیش از انقلاب، اقدام به نشر کتاب ارزشمند «تأمین مالی صنعتی در ایران» که توسط یکی از اعضای گروه مشاوران دانشگاه هاروارد در ایران به رشته تحریر درآمده بود، کرد. برای

شرایط تأمین مالی در پس از انقلاب، در نظر سنجی‌های متعدد مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از مدیران شرکت‌های خصوصی در سال‌های اخیر، عدم دسترسی مناسب به اعتبارات بانکی را، یکی از مشکلات عمده آنها شناخته است. در چند سال اخیر به ویژه پس از تشدید تحریم‌های بین‌المللی، تنگنای اعتباری ابعاد بی‌سابقه‌ای به خود گرفت و فعالان اقتصادی کشور این مسئله را به کرات با مقامات محترم دولت یازدهم و بانک مرکزی در میان گذاشتند. از این رو اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان خراسان رضوی، بر آن شد که علی‌رغم وجود تلاش‌های چندی در زمینه تبیین مشکلات بانکی، که پاسخ جامعی از منظر بخش خصوصی به همه پرسش‌های موجود ارائه نمی‌کرد، چاره‌اندیشی کند که موضوع پژوهش در زمینه علل بحران بانکی و تنگنای اعتباری را یکبار دیگر (با تأکید بر نحوه توزیع بخش اعتبارات بانکی) در دستور کار خود قرار دهد. کتاب حاضر تلاش‌های انجام شده در این خصوص را در بر دارد.

به گمان ما به دلیل آنکه نظام بانکی ایران نقش فائده را در تأمین مالی سرمایه‌گذاری ثابت و در گردش فعالیت‌های اقتصادی دارد، پس این معضل اهمیت حیاتی برای برون رفت از رکود اقتصادی موجود و رشد درازمدت صنعت و اقتصاد دارد. همانطور که در این کتاب استدلال شده است، بانک‌ها به مثابه سیستم گردش خون اقتصاد برای بازگردان آن اهمیت حیاتی دارند. هیچ اقتصادی بدون یک نظام مالی فعال که از پس اندازه افراد محافظه‌کاران را به جایی انتقال دهد که مورد نیاز است و به خانواده‌ها و صاحبان کسب و کار کمک کند تا برای آینده شان سرمایه‌گذاری کنند، نمی‌تواند رشد کند. اگر رابطه عمیق میان بخش حقیقی و مالی را بپذیریم، می‌توان نتیجه گرفت که لااقل در مراحل اولیه صنعتی شدن، بخش مالی در خدمت توسعه صنعتی و اقتصادی کشورها قرار می‌گیرد. اما در ایران وضع به گونه دیگری رغم خورده است.

هر چند اعطای اجازه تاسیس بانک‌های خصوصی از آغاز برنامه سوه و ماهیاری سهام بانک‌های دولتی در اجرای قانون سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی، زمینه مساعدی را برای شکل‌گیری بانک‌های جدید در کشور به وجود آورد، اما **امیدهای سیاست‌گذاران و محافل کسب و کار به بهبود کارایی نظام بانکی از طریق خصوصی‌سازی و تشدید رقابت در بازار بانکی، جامه عمل به خود نپوشید.** در دوره بعد از جنگ ایران و عراق، موسسات اعتباری غیر بانکی گسترش بی‌سابقه‌ای یافتند و اهمیت آنها در بازار پول افزایش یافت. بسیاری از این موسسات تحت نظارت بانک مرکزی قرار نداشتند. به رغم گسترش سریع خدمات بانکی در این دوره، به دلیل فعالیت جزیره‌ای بانک‌ها و اعطای تسهیلات به شرکت‌های وابسته به خود، بازارهای مالی کشور عقب مانده و دسترسی خانواده‌ها و بنگاه‌ها به اعتبارات بانکی محدود بوده است.

در واقع سلطه سیاست مالی بر سیاست پولی و استفاده دولت از بانک مرکزی و نظام بانکی در جهت تأمین مالی کسری‌های بودجه عمومی و بودجه شرکت‌های دولتی، زمام اختیار سیاست‌گذاری پولی را از دست بانک مرکزی خارج کرده است و بانک مرکزی به دلیل عدم استقلال از دولت، قفسدان ابزارهای لازم و نداشتن یک سیاست پولی سازگار با نظام ارزی از انجام وظایف خود در زمینه کنترل تورم و تنظیم نرخ تعادلی ارز باز مانده است. قصور بانک مرکزی در انجام وظایف نظارتی خود، موجب گسترش مؤسسات اعتباری غیر مجاز، تشکیل بانک‌های وابسته به نهادهای مختلف تحت عنوان بانک خصوصی، عدول بانک‌ها از قواعد کفایت سرمایه و نسبت سپرده قانونی شده، موجب رانت جویی بانک‌ها و به مخاطره افتادن پایبندی مالی سیستم بانکی شده است. مسئله در خور توجه این است که سرکوب مالی ایجاد شده توسط دولت و بانک مرکزی منشاء اصلی انحرافات شبکه بانکی از وظایف قانونی آن بوده است. بدین ترتیب تأملاتی که دولت، بانک مرکزی در چارچوب‌های قانونی موجود و سیاست‌های مالی، ارزی و اعتباری خود تجدید نظر نکنند، سر توان آمیدی به اصلاح نظام بانکی داشت.

نتایج این تحقیق گویای آن است که بخش عمده‌ای از دارایی بانک‌ها به صورت اموال غیر منقول و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های وابسته قفل شده است. بهیچ وجه این وضعیت از قدرت اعتباردهی بانک‌ها کاسته می‌شود. نکته حائز اهمیت دیگر این است که بانک‌های غیر دولتی و مؤسسات اعتباری غیر بانکی حضور خیلی فعالی در اعطای تسهیلات ندارند. به همین آن که هم حرکتی نمایانی میان رشد حجم اعتبارات بانکی و رشد بخش حقیقی وجود دارد، از جانب بانک‌ها تلاشی برای مقابله با ادوار اقتصادی و برای افزایش ذخایر در دوره رونق اقتصادی دیده نشده است.

در نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ و سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، سهم بخش‌های مستقر، از رگانی و خدمات از مانده اعتبارات بانکی افزایش یافته است. همچنین در دوره ۹۳-۱۳۹۱ از حجم اعتبارات بانکی به قیمت ثابت کاسته شده است. همزمانی این دو پدیده تنگنای مالی را برای شرکت‌های صنعتی، معدنی و فعالیت‌های کشاورزی تشدید کرده است.

مخلص کلام آن است که با تشدید تحریم‌ها مطالبات غیرجاری بانکی افزایش یافت و ریسک سیستماتیک در بخش مالی ایران کاملاً مشهود گردید. اکنون با رفع تحریم‌های بین‌المللی، بخش خصوصی ایران از دولت و بانک مرکزی انتظار دارد، اولاً- بانکداران را موظف به اصلاح صورت‌های مالی خود و تقبل زیان‌های ناشی از بی‌بند و باری خود بنمایند. ثانیاً- به نحو مقتضی دارایی‌های مسموم بانک‌ها را خریداری کنند و ثالثاً- یک سیستم نظارتی کارآمد را بر عملکرد نظام مالی کشور اعم از بانک‌ها و بازار اوراق بهادار و مؤسسات بیمه‌ای مستقر سازند. چرا که دفع الوقت بیشتر در حل معضلات

بخش مالی کشور، مخاطره فروپاشی نظام بانکی را در پی خواهد داشت و این نه به نفع دولت و بانک مرکزی است و نه به نفع فعالان بخش خصوصی و سپرده‌گذاران.

در اینجا وظیفه خود می‌دانم از تلاش‌های استاد محترم جناب آقای دکتر بهروز هادی زنوز که مسئولیت این پژوهش را به همراه جناب آقای افشین برمکی به عهده گرفتند، صمیمانه قدردانی نمایم. همچنین از تلاش‌های بی‌شائبه جناب آقای مهندس سید محمد بحرینیان، همکارم در هیئت نمایندگان اتاق مشهد که نظارت بر کار مطالعات را بر عهده داشته‌اند، صمیمانه سپاسگزاری نمایم. از ارباب فضل که این مجموعه را مطالعه خواهند کرد، استدعا دارم که در راستای ارتقاء و تعالی فعالیت‌های پژوهشی اتاق مشهد، ما را از پیشنهادات و انتقادات احتمالی خود محروم نسازند.

غلامحسین شافعی

رئیس اتاق مشهد

مقدمه

هدف مطالعه حاضر پاسخ به این پرسش کلیدی است که چرا نظام بانکداری ایران در دوره بعد از انقلاب در خدمت توسعه صنعتی و اقتصادی نبوده است. در این مطالعه برای پاسخ به این پرسش به دو موضوع زیر پرداخته‌ایم:

یکم: عوامل مؤثر بر نارضایتی صاحبان کسب و کار از توزیع بین بخشی اعتبارات بانکی چیست و دوم: عوامل مؤثر بر تنگنای اعتباری عده سرسی آسان کارفرمایان و خانوارها به اعتبارات بانکی کدام است.

از آنجاکه در کشور ما به دلایل تاریخی و نیز عقاید غلطی سایر ارکان بازارهای مالی، بانک‌ها نقش فائقه را در تأمین مالی سرمایه‌گذاری ثابت و در گردش فعالیت‌های اقتصادی دارند و سپرده‌های بانکی مهم‌ترین ابزار در دسترس خانوارها برای نگهداری وجوه نقد آن به حساب می‌آید، حل این معضل اهمیت حیاتی برای برون‌رفت از رکود اقتصادی موجود و رشد درازمدت صنعت و اقتصادی دارد. در مورد رابطه بخش مالی و حقیقی باید گفت بانک‌ها به مثابه سیستم گردش خون اقتصاد برای کارکرد آن اهمیت حیاتی دارند. هیچ اقتصادی بدون نظام مالی فعال که از پس افزایش آن محافظت کند، پول را به جایی انتقال دهد که مورد نیاز است و به خانوارها و صاحبان کسب و کار کمک کند تا برای آینده‌شان سرمایه‌گذاری کنند، نمی‌تواند رشد کند. عقب‌ماندگی نظام بانکداری، هزینه‌های اجتماعی هنگفتی به بار می‌آورد. ادبیات نظری نشان داده است، کشورهای دارای نظام بانکی عقب‌مانده، بیش از دیگر کشورها نرخ رشد اقتصادی پائین را تجربه می‌کنند. مورخان اقتصادی نشان داده‌اند کشورهای هلند، بریتانیا و ایالات متحده تا پیش از پیدایش سرکردگی در اقتصاد جهانی در سده‌های هجدهم، نوزدهم و

۱. نظام مالی کشورها از پنج رکن تشکیل می‌شود: نظام بانکی، بورس اوراق بهادار، نظام بیمه‌ای، نظام پرداخت و تسویه و بالاخره سایر نهادهای مالی. در کشور ما ضعف مفرط فعالیت‌های بیمه‌ای، صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی و درمان و به تبع آن ضعف بازار بورس اوراق بهادار کشور به عنوان بازار اولیه تأمین مالی، فقدان بازار بدهی دولت، فقدان نهادهای حفاظتی و پوششی، فقدان بازار رهنی و ضعف صنعت بانکداری سرمایه‌ای به شدت مشهود است (مه‌دویان، محمد هادی (۱۳۹۳). مشکلات بخش مالی و بانکی در اقتصاد ایران، اولین کنفرانس اقتصاد ایران.

بیستم، تحولات شگرفی را در نظام واسطه‌گری مالی و نهادهای مالی خود تجربه کرده‌اند. مورخان دریافته‌اند که کشورهای روسیه، آلمان و ژاپن نیز پیش از کاهش شکاف میان خود و اقتصادهای بزرگ جهان در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم، دستخوش تحولات مالی مشابهی شدند. اقتصاددانان مالی هم که با استفاده از روش‌های آماری به تحلیل رشد اقتصادهای معاصر پرداخته‌اند، به نتایج مشابهی دست‌یافته‌اند. همه مطالعات این محققان - که به بررسی واریانس نتایج کشورهای مختلف، مناطق مختلف کشورها و یا صنایع مختلف پرداخته‌اند - نشان می‌دهد هرچه سطح توسعه مالی بالاتر باشد، نرخ انباشت سرمایه فیزیکی، نرخ رشد اقتصادی، پیشرفت فناوریانه و ایجاد اشتغال، سریع‌تر خواهد بود و فرصت تحرک اجتماعی افزایش خواهد یافت. با توجه به ارتباطی که میان رشد اقتصادی و عوامل فیزیکی وجود دارد، کشورهای دارای نظام بانکی عقب‌مانده در دفاع از حاکمیت خود و تأثیر بر حوادث خارج از کشور نیز موضع ضعف خواهند بود. به‌طور خلاصه باید گفت عقب‌ماندگی نظام بانکداری، وضعیتی به اثبات می‌رسد که می‌تواند از کمبود ظرفیت بخش‌های حقیقی اقتصاد مانند منسوجات، تصفیه شکر یا صنایع خودروسازی، ناشی می‌شود؛ امکانات مالی، عملکرد کارایی همه فعالیت‌های دیگر شامل بخش‌های صنعتی حیاتی برای دولت را تسهیل می‌کند.

به‌رغم آن که اولین بانک خارجی در ایران در سال ۱۲۶۹ هجری شمسی و اولین بانک ایرانی در سال ۱۳۰۴ تأسیس شد و در کشور تجربه دولتی در زمینه بانکداری تجاری، تخصصی، توسعه‌ای و بانکداری مرکزی وجود دارد، متأسفانه باید بگوییم که حذف فناوری‌های مالی و بانکی میان ایران و کشورهای پیشرفته و نوظهور صنعتی عمیق است و نظام مالی بانکی ایران در هم‌سنجی با کشورهای دیگر عقب‌مانده محسوب می‌شود. امروزه نظام مالی و بانکی کشور ما در کلیه زمینه‌های ساختاری و نهادی، حفاظت و پوشش، مقررات و نظارت و ابزارهای سیاستی دچار ضعف‌های اساسی است. درواقع به‌رغم آن که در ۳۵ سال اخیر پیشرفت‌های شگرفی در بازارهای مالی در سطح جهان صورت گرفته، در این مدت ما شاهد عقب‌گردهای جدی در چارچوب‌های نهادی و ابزارهای بازارهای مالی در ایران بوده‌ایم. اگر رابطه وثیق میان بخش حقیقی و مالی را بپذیریم، می‌توان نتیجه گرفت که مشکل در مراحل اولیه صنعتی شدن، بخش مالی در خدمت توسعه صنعتی و اقتصادی کشورها قرار می‌گیرد. اما در ایران وضع به گونه دیگری رغم خورده است.

در این مطالعه هرچند تحولات بسترهای قانونی بانکداری را در دوره بعد از انقلاب اجمالاً مرور کرده‌ایم، به‌منظور پاسخ به دو مسئله توزیع اعتبارات بانکی و تنگنای اعتباری، دوره زمانی مطالعه را به‌طور عمده به سال‌های ۹۲-۱۳۸۰ محدود کرده‌ایم.

کتاب حاضر در ۶ بخش تنظیم شده است که هر یک از آن‌ها مشتمل بر چند فصل مرتبط است. بخش اول کتاب به طرح مسئله، مرور گزارش‌های تحقیقی مرتبط با موضوع تحقیق و ارائه رویکرد تحقیق حاضر اختصاص یافته است.

در بخش دوم کتاب، نقش دولت و بانک مرکزی را در شکل‌گیری چارچوب قانونی نظام بانکی، اعمال سیاست‌های مالی و پولی و نظارت بر شبکه بانکی کشور مورد تحلیل قرار داده‌ایم. در ابتدای این بخش تحولات تاریخی بانکداری مرکزی و سیاست‌گذاری پولی در چهار دهه اخیر در جهان به‌جمال مرور شده است. سپس به تجربه بانکداری مرکزی در ایران پرداخته‌ایم. در این بخش سلطه سیاست مالی بر سیاست پولی و سوءاستفاده دولت از بانک مرکزی و نظام بانکی را در جهت تأمین مالی کسری‌های بودجه عمومی و بودجه شرکت‌های دولتی عیان ساخته‌ایم. در واقع دولت‌هایی که وظایف آن‌ها بیش از ظرفیت‌های مالی‌شان است و به قواعد مالی سخت‌گیرانه پایبندی ندارند، به بی‌ثباتی اقتصاد کلان دامن می‌زنند. در همین بخش استدلال کرده‌ایم که بانک مرکزی به دلیل عدم استقلال از دولت، فقدان ابزارهای لازم و داشتن سیاست پولی سازگار با نظام ارزی از انجام وظایف خود در زمینه کنترل تورم و تنظیم نرخ تعادلی ارز بازمانده است. در این بخش ضمن اشاره به تحولات مقررات و نظارت کمیته بال، وظایف ۲۹ گانه نظارتی بانک‌های مرکزی بر اساس مصوبات کمیته بال را با مقررات و مصوبات بانک مرکزی مقایسه کرده‌ایم و نتایجی را در سیستم نظارتی موجود را برجسته ساخته‌ایم. قصور بانک مرکزی در انجام وظایف نظارتی خود موجب گسترش مؤسسات اعتباری غیرمجاز، تشکیل بانک‌های وابسته به نهادهای مختلف تحت عنوان بانک خدایی، تحول بانک‌ها از قواعد کفایت سرمایه و نسبت سپرده قانونی شده و موجب رانت جویی بانک‌ها و به‌مخاطره افتادن پایداری مالی سیستم بانکی شده است. مسئله درخور توجه این است که سرکوب مالی ایجاد شده توسط دولت و بانک مرکزی منشأ اصلی انحرافات شبکه بانکی از وظایف قانونی آن بوده است. بدین ترتیب با زمانی که دولت و بانک مرکزی در چارچوب‌های قانونی موجود و سیاست‌های مالی، ارزی و اعتباری خرد و بلندمدت نظر نکنند، نمی‌توان امیدوار به اصلاح نظام بانکی داشت.

در بخش سوم کتاب، تحولات بانکداری در ایران بعد از انقلاب اسلامه مورد بررسی قرار گرفته است. در اینجا ملی شدن و ادغام بانک‌ها و فعالیت آن‌ها در چارچوب قانون بانکداری بدون ربا و پیامدهای زبان‌بار قانون اخیر اجمالاً مورد بحث قرار گرفته است. هرچند اعطای اجازه تأسیس بانک‌های خصوصی از آغاز برنامه سوم و واگذاری سهام بانک‌های دولتی در اجرای قانون سیاست‌های اجرایی سال ۴۴ قانون اساسی، زمینه مساعدی را برای شکل‌گیری بانک‌های جدید در کشور به وجود آورد، اما بانک‌های خارجی اجازه فعالیت در کشور را به دست نیاوردند. یکی از ویژگی‌های نظام بانکداری در ایران این بود که تقسیم کار روشنی میان بانک‌های تجاری و تخصصی به وجود نیامد و بانک‌ها بر اساس قانون بانکداری بدون ربا، عمدتاً در غالب عقود مشارکتی به اعطای تسهیلات بانکی می‌پرداختند. در دوره بعد از جنگ ایران و عراق، مؤسسات اعتباری غیر بانکی گسترش بی‌سابقه‌ای یافتند و اهمیت آن‌ها در بازار پول افزایش یافت. بسیاری از این مؤسسات تحت نظارت بانک مرکزی قرار نداشتند. در این بخش عدم کفایت سرمایه بانک‌ها به دلیل ضعف نظارت بانک مرکزی نیز مورد تحلیل قرار گرفته است. در فصل پایانی این بخش

نشان داده‌ایم که به‌رغم گسترش سریع خدمات بانکی در این دوره، به دلیل فعالیت جزیره‌ای بانک‌ها و اعطای تسهیلات به شرکت‌های وابسته به خود، بازارهای مالی کشور عقب‌مانده و دسترسی خانوارها و بنگاه‌ها به اعتبارات بانکی محدود بوده است.

در بخش چهارم کتاب توزیع اعتبارات بانکی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برای این منظور ابتدا ساختار ترازنامه نظام بانکی بررسی شده است. این مطالعه گویای آن است که عمده منابع بانک‌های تجاری از محل سپرده‌ها تأمین می‌شود. اما در بانک‌های تخصصی، سرمایه بانک‌ها و استقراض از بانک مرکزی بخش عمده منابع را تشکیل می‌دهد. هرچند بدهی بخش غیردولتی عمده‌ترین سهم را در ساختار مصارف بانک‌ها دارد، با این حال نسبت آن به کل مصارف کمتر از ۵۰ درصد است. نکته درخور توجه این است که بخش عمده‌ای از دارایی بانک‌ها به‌صورت اموال غیرمنقول و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های وابسته قفل شده است. بدهی است در این وضعیت از قدرت اعتبار دهی بانک‌ها کاسته می‌شود. نکته حائز اهمیت دیگر این است که بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری غیر بانکی حضور خیلی فعالی در اعطای تسهیلات ندارند. بررسی‌های انجام شده گویای آن است که به‌رغم آن که هم حرکتی نمایانی میان رشد حجم اعتبارات بانکی و رشد بخش حقیقی وجود دارد، از جانب بانک‌ها تلاشی برای مقابله با ادوار اقتصادی و افزایش مسیر در دوره رونق اقتصادی دیده نمی‌شود.

در بخش چهارم کتاب این موضوع به‌وضوح مطرح شده است که در نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ و سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، سهم بخش‌های مستعدت، بازرگانی و خدمات از مانده تسهیلات بانکی افزایش یافته است. همچنین در دوره ۹۳-۱۳۹۱ از حجم اعتبارات مطالبی به قیمت ثابت کاسته شده است. گفتنی است که قبل از این دوره نیز سهم بخش‌های فوق‌الذکر از مانده تسهیلات بانکی بیش از بخش‌های صنعتی و کشاورزی بوده است. هم‌زمانی این دو پدیده تنگنای مالی را برای شرکت‌های صنعتی، معدنی و فعالیت‌های کشاورزی تشدید کرده است. برای نشان دادن افزایش فاضلابی سرمایه‌گذاری در بخش‌های مستغلات، بازرگانی و صنعتی و به‌تبع آن تخصیص اعتبارات بیشتر به این فعالیت‌ها به تحلیل تحول نظام انگیزش‌های مالی شامل نرخ ارز حقیقی، نرخ سود تسهیلات بانکی، نرخ مالیات‌ها و سایر عوامل مؤثر بر قیمت‌های نسبی پرداخته‌ایم.

با بررسی ساختار مالکیت بانک‌های خصوصی و بانک‌های وابسته به نهادها، این نکته روشن می‌شود که شرکت‌های با موضوع ساخت‌وساز و سایر فعالیت‌های عمرانی، سهامداران عمده این بانک‌ها هستند. درواقع در دهه ۱۳۸۰ با رونق نفتی و بروز بیماری هلندی، قیمت نسبی مستغلات افزایش یافت و سرمایه‌گذاری در مراکز تجاری، اداری و مجتمع‌های مسکونی صرفه اقتصادی بیشتری به دست آورد. به همین دلیل نهادهای نظامی و غیرنظامی و شرکت‌های ساختمانی اقدام به تأسیس بانک کردند تا این نوع سرمایه‌گذاری‌ها را تأمین مالی کنند. بنابراین با نظام انگیزشی موجود اساساً این انتظار که این بانک‌ها در خدمت فعالیت‌های صنعتی، معدنی، کشاورزی و صادراتی باشند، بیهوده است. بانک‌ها به‌عنوان

مؤسسات انتفاعی به آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی اعتبار می‌دهند که سودآور و کم‌ریسک‌تر باشند. در یک کلام این بانک‌های خصوصی در خدمت سهامداران اصلی خود هستند و این سهامداران ترجیح می‌دهند منابع تجهیز شده بانک‌های خود را در ساخت‌وساز بکار اندازند.

در همین بخش ضمن اشاره به ماهیت نظام اقتصادی ایران که چندپاره و مبتنی بر رانت جویی غیر مولد است، تناظر نظام بانکداری را با آن نشان داده‌ایم و بر این نکته مهم انگشت نهاده‌ایم که نظام بانکی ما در خدمت همین نظام اقتصادی است و از طریق تغییر نظام بانکی نمی‌توان ماهیت نظام اقتصادی را تغییر داد. واقعیت امر این است که بانک‌های خصوصی اساساً با هدف تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های هلدینگ‌ها و شرکت‌هایی تأسیس شده‌اند که سهامداران اصلی آن‌ها هستند. از این‌رو این نیازهای مالی بخش حقیقی است که نحوه شکل‌گیری بانک‌های "خصوصی" وابسته به بخش خصوصی و نهادهای و ماهیت آن‌ها را شکل می‌دهد. اگر نظام انگیزشی به ترتیبی سامان‌یافته باشد که فعالیت‌های ساخت‌وساز، زرگرانی و سایر خدمات سودآورتر از سرمایه‌گذاری در صنعت، معدن و کشاورزی باشد، نمی‌توان از بانک‌های بخش خصوصی گله‌مند بود. در فضای سرکوب مالی استفاده از رانت حاصل از نرخ‌های بهره پایین اعتبارات بانکی حکم می‌کند که شرکت‌های وابسته بانک‌ها در اولویت پرداخت اعتبار قرار گیرند. نظام بانکی ایران اساساً در خدمت تقویت نهادهای موجود در بخش حقیقی اقتصاد است. اما از آنجا که هدف غایی نظام اقتصادی و ذینفعان آن به جای توسعه صنعتی و اقتصادی، رانت جویی غیر مولد است، بدیهی است که بانک‌ها نمی‌توانند در خدمت اهداف مذکور نباشد.

بخش پنجم مطالعه به موضوع تنگنای اعتباری در ایران اختصاص یافته است. همان‌طور که در بخش اول کتاب مطرح شده است، پژوهشکده پولی و بانکی مطالعات ارزش‌گذاری در این زمینه انجام داده و ما نیز در این قسمت از کتاب از این مطالعات بهره فراوان برده‌ایم. در این بخش ابتدا عوامل سمت عرضه را بررسی کرده‌ایم. این عوامل عبارت‌اند از: عملکرد ضعیف اقتصاد که موجب محدود شدن پس‌انداز می‌شود، محدودیت تأمین مالی خارجی، فقدان ابزارهای مالی متنوع در بازار سرمایه که در بررسی بنگاه‌ها را به منابع مالی استقراری از این بازار محدود می‌کند، سهمیه‌بندی تسهیلات بانکی، منفی بودن نرخ سود سپرده‌ها که جذب سپرده‌ها به سیستم بانکی را دشوار می‌کند، افزایش مطالبات غیر جاری بانک‌ها که منابع قابل وام‌دهی بانک‌ها را به شدت محدود می‌کند. تا جایی که مربوط به عوامل مؤثر بر سمت تقاضای اعتبارات بانکی است به نکات زیر توجه شده است: پایین بودن بهره‌وری سرمایه، طولانی بودن چرخه تولید، منفی بودن نرخ سود تسهیلات بانکی، پایین بودن هزینه فرصت تأمین مالی از طریق وام بانکی، تقاضای اضافی ناشی از تسهیلات تکلیفی بودجه‌های سنواتی دولت، تمرکز در توزیع تسهیلات بانکی و مسائل ناشی از رکود اقتصادی.